



د ټولنيزو

علومو برخه



نقش اندیشه‌های امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در گسترش عدالت اجتماعی

پوهنوال سید خلیل کوهی^۱

استاد دپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بامیان.

ایمیل آدرس: kohi_khalil23@bu.edu.af

خلاصه

بیان مسئله: عدالت اجتماعی یکی از اصول محوری جوامع انسانی بوده و در اندیشه امام ابوحنیفه رحمه الله، جایگاه ویژه‌ای داشته است.

هدف تحقیق: هدف از نگارش این مقاله بررسی نقش اندیشه‌های امام ابوحنیفه رحمه الله در گسترش عدالت اجتماعی است.

روش تحقیق: این تحقیق به روش کیفی به صورت تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع دست‌اول کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

یافته‌های تحقیق: مذهب حنفی با تکیه بر اصولی معتدل، استحسان، عرف و مصالح مرسله، سیستمی انعطاف‌پذیر برای تحقق عدالت اجتماعی ارائه کرده است. در معاملات اقتصادی، نفی ربا، تأکید بر شفافیت و حمایت از حقوق کارگران از جمله تلاش‌های او بود. در نظام قضایی، توسعه نظریاتی نظیر استصحاب و شهادت زنان، عدالت را فراگیرتر کرد. همچنین، حمایت از گروه‌های محروم مانند فقرا، بردگان و اهل ذمه، نشان‌دهنده حساسیت او به آسیب‌پذیری‌های اجتماعی بود. او تأکید بر مشورت و مسئولیت‌پذیری حکومت داشت. پویایی فقه حنفی، آن را به ابزاری زنده برای پاسخگویی به نیازهای متغیر جوامع تبدیل کرد. در عصر حاضر، اصول این مکتب می‌تواند راهگشای چالش‌های عدالت اجتماعی باشند و چارچوبی اخلاقی - حقوقی برای تحقق عدالت در جوامع اسلامی فراهم آورند.

نتیجه‌گیری: اصول و اندیشه‌های امام ابوحنیفه رحمه الله می‌توانند به‌عنوان راهگشای برای چالش‌های عدالت اجتماعی در عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرند و چارچوبی اخلاقی-حقوقی برای تحقق عدالت در جوامع اسلامی فراهم آورند.

کلمات کلیدی: امام ابوحنیفه، اندیشه، عدالت اجتماعی، گسترش

استناد: کوهی، سید خلیل. (۱۴۰۴) نقش اندیشه‌های امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در گسترش عدالت اجتماعی.

دوفصلنامه علمی - تحقیقی عینک علمی - خپرنیزه مجله، درپیم کال، ۵ گڼه، صفحه ۸۱-۹۴.

DOI: ناشر: پوهنتون لوگر حق مؤلف © نویسندگان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ؛ اما بعد:

بیان مسئله: عدالت اجتماعی به حیث ارکان اساسی در جوامع انسانی همیشه در کانون توجه اندیشمندان و مصلحان جهان بوده است. در میان میراث فکری جهان اسلام، اندیشه‌های فقهی و کلامی امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در میان جوامع اسلامی بصورت گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است. اندیشه‌های وی تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری و پخش مفاهیم عدالت در جوامع اسلامی گذاشته است. امام اعظم، ابوحنیفه رحمه الله از مفاخر نامور جهان اسلام و از امامان مذاهب فقهی اسلامی است. فقهی حنفی بر مذهب زیدی نیز تأثیر گذاشته تا جای که به گفته الزحیلی تفاوت میان فقه حنفی و زیدی در اصول است و آنان از امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در فروع فقهی پیروی می نمایند (الزحیلی، ب ت، ۱ / ۵۸). بنابراین وی تنها کسی است که دو مذهب مختلف فقهی حنفی و زیدی از اندیشه‌های فقهی ایشان پیروی می نمایند.

اهمیت و ضرورت: مذهب حنفی، به عنوان پر نفوس ترین مذهب فقهی در جهان اسلام، با تکیه بر اصول (Wani, 2017, 45) و روش‌های استنباطی خاص خودش که توسط بنیان‌گذار این مذهب، پایه‌گذاری شده است؛ سامانه‌های قدرتمندی را برای تحقق عدالت اجتماعی در بسترهای مختلف تاریخی و فرهنگی فراهم کرده است (Hallaq, 2009, 32-34).

نگارش حاضر از لحاظ ماهیت کیفی و از لحاظ هدف بنیادی‌ست با روش توصیفی تحلیلی با استناد به منابع دست اول فقه حنفی و تحقیقات معاصر مرتبط به همان مذهب در بررسی سازوکارهای ست که اندیشه‌های امام اعظم رحمه الله از طریق آن‌ها به گسترش عدالت اجتماعی کمک کرده‌اند. تمرکز اصلی در این مقاله بر اصول و مفاهیمی چون قیاس، استحسان، عرف، مصالح مرسله، انعطاف‌پذیری، استدلال منطقی، تأکید بر عدالت در معاملات و روابط حکومتی خواهد بود.

پیشینه تحقیق: در رابطه به موضوع مشخص مرتبط به این تحقیق تا هنوز، با وجود تنوع فراوان نویسنده، نوشته‌ی مشخصی به دست نیامده است؛ اما کتب و نوشته‌های فراوانی در موضوعات فقه حنفی و اندیشه‌های امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله وجود دارد که در ذیل به سه نمونه از آن‌ها اشاره

می‌شود: مولانا مفتی محمد عاشق الهی بلند شهری کتابی را تحت عنوان مجموعه وصایای امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله نگاشته و در سال ۱۳۹۴ توسط سایت کتابخانه عقیده به صورت دیجیتال نشر شده است. در این کتاب همان‌گونه که از نام آن پیدا است مؤلف همه وصایای امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله) را که عمدتاً به شاگردانش بوده است جمع‌آوری نموده و پنج وصیت به شاگردانش در موضوعات مختلف کرده است (بلند شهری، ۱۳۹۴، ۹-۳۳).

فضل احمد احمدی مقاله‌ی را تحت عنوان امام ابوحنیفه رحمه الله و مبارزه با استبداد سیاسی نگاشته است و در سال ۱۴۰۱ در فصلنامه علمی پژوهشی پوهنتون غالب سال یازدهم شماره پیاپی سی و نهم به نشر رسیده است. در نتیجه این مقاله بیان داشته است که امام ابوحنیفه رحمه الله در قبال استبداد سیاسی از نقد دیدگاه‌ها تا مبارزات سخت و حمایت از مخالفان سیاسی و نظامی دولت‌های حاکم جریان داشته است. وی با تصمیمات استبدادی مخالف بود و صریحاً پیشنهادی حاکمان را رد می‌کرد. این روند در نهاد شاگردان و پیروان وی نهادینه شد و امروز اکثر اندیشمندان حنفی مذهب با توسل به دیدگاه و نظریات امام در مقابل رفتارها و عملکردهای استبدادی ایستادگی می‌کنند. هرچند که بسیاری دیگر برای رسیدن به مقام و منزلت و به پیروی از دستورات حاکمان، مناصب فرمایشی آنان را پذیرفته‌اند (احمدی، ۱۴۰۱، ۷۴).

عنایت الله ابلاغ کتابی را تحت عنوان امام ابوحنیفه رحمه الله و افکار او نگاشته و در سال ۱۳۹۸ توسط وزارت حج و اوقاف کشور؛ در کابل چاپ شده است. در این کتاب بر علاوه سایر معلومات لازم پیرامون امام اعظم رحمه الله به کتب ایشان: همانند فقه الا کبر، فقط الا بسط، العالم والمتعلم، رساله ابوحنیفه رحمه الله به ابو مسلم البتی امام بصره پرداخته و در بخش‌های دیگر کتاب به مهم‌ترین نظریات کلامی امام اعظم و تمایلات و نظریات سیاسی او پرداخته است (ابلاغ، ۱۳۹۸، ۱۹۵-۲۴۰).

هدف تحقیق

بررسی نقش اندیشه امام ابوحنیفه رحمه الله در گسترش عدالت اجتماعی ست.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

آیا اندیشه‌های امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در گسترش عدالت اجتماعی نقشی داشته است؟

سؤالات فرعی

- در نظام اقتصادی و حقوقی از دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله عدالت چگونه است؟
- نظر امام اعظم رحمه الله پیرامون عدالت اجتماعی و حمایت از گروه‌های محروم چگونه است؟
- نظر امام اعظم رحمه الله پیرامون عدالت سیاسی و مسئولیت حکومت چگونه است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت کیفی و از حیث هدف بنیادی است که به صورت تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع دست اول فقه و عقیده مذهب حنفی و سایر نوشته‌های مرتبط به همان دو مورد صورت گرفته است. در این تحقیق نویسنده تحقق عدالت اجتماعی را در لابه‌لایی نوشتار، رفتار، عملکردها و گفتار امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله و علمای مذهبش به بررسی گرفته است.

کاربرد تحقیق: تحقیق حاضر به برجسته‌سازی عدالت اجتماعی که گم‌شده انسان معاصر است در اندیشه‌های امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله پرداخته است؛ بنابراین نتیجه این تحقیق برای دولت‌مردان و مردم افغانستان که اکثراً پیروان مذهب حنفی هستند، می‌تواند در امورات مبتلا به راهگشا باشد.

یافته‌های تحقیق

این نگارش پیرامون اندیشه‌های امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در گسترش عدالت اجتماعی به موارد ذیل دست‌یافته است:

امام ابوحنیفه رحمه الله که در عصر متلاطم نهایت عصر اموی و اوایل عصر عباسی می‌زیست، با توجه به شغلش که تجارت بود، تجارب گران‌بهای تلفیقی از دانش و تجارب عصر زمانش به دست آورده است که راهگشای پیروانش در عصور مختلف است. وی در اندیشه‌های فقهی خویش مبانی و اصولی را بنیاد گذاشت که به گسترش عدالت اجتماعی کمک شایانی نموده است، استفاده از عقل (قیاس) استحسان، عرف، مصالح مرسله و توجه به رفع عسر و حرج از همین مبانی و اصول هستند. وی عدالت در حقوق اقتصادی و مالکیت را برداشتن گام‌های مختلف ترویج کرد و نظرات مترقی او در مورد حقوق زراعت کاران و کارگران مانند لزوم پرداخت مزد عادلانه، بهره‌مندی از محصول زمینی که بر روی آن کار می‌نمایند، خصوصاً در مساقات از این دست است. وی عدالت قضایی را با ابزارهای همانند تأکید بر سوگند مدعی و گسترش استصحاب و مواردی از این دست نهادینه ساخت و عدالت اجتماعی را با حمایت از حقوق محرومان همانند بردگان ذمی‌ها و رعایت حقوق آنان همانند عقد مکاتبه بردگان به مردم نشان داد. عدالت سیاسی را در

مسئولیت دولت برای تأمین امنیت، رعایت عدالت و تأمین رفاه عمومی می‌دانست به این جهت فقه موثر، انعطاف‌پذیر و کاربردی در هر زمانی از خود به یادگار گذاشت.

مفاهیم

الف- امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله)

امام ابوحنیفه رحمه‌الله، یکی از برجسته‌ترین فقهای اسلامی و بنیان‌گذار مکتب فقهی حنفی، در سال ۸۰ هجری قمری در شهر کوفه به دنیا آمد. نام کامل او نعمان بن ثابت بن زوطی است. او به دلیل دانش گسترده، تفکر عمیق و روش اجتهادی منحصر به فردش، تأثیر زیادی بر فقه اسلامی گذاشت. امام ابوحنیفه رحمه‌الله به عنوان یک تاجر پارچه فعالیت می‌کرد و در کنار تجارت، به آموزش و بحث‌های علمی می‌پرداخت. وی همچنین به دلیل استقلال فکری و عدم پذیرش مناصب دولتی شناخته شده است.

امام ابوحنیفه رحمه‌الله در مسائل فقهی رویکرد عقل‌گرایانه و اجتهادی داشت و از قیاس و استحسان برای استنباط احکام استفاده می‌کرد. این روش‌ها باعث شد که مکتب فقهی او انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشد و پاسخگوی نیازهای مختلف جوامع اسلامی باشد. منابع تاریخی نشان می‌دهند که امام ابوحنیفه رحمه‌الله در مسائل سیاسی نیز موضع‌گیری‌هایی داشته و از همکاری با حکومت‌های زمانش، خودداری کرده است. وی پیشنهاد خلیفه اموی مروان ابن محمد را برای در دست گرفتن نظام قضائی حکومت نپذیرفت و به این بهانه تازیانه زده شد (دریسی، ۱۴۳۹، ۸). او در سال ۱۵۰ هجری قمری در بغداد درگذشت و آرامگاه او در این شهر قرار دارد (ابو زهره، ۱۳۸۰، ۲۵-۳۵).

ب- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در جامعه است، به گونه‌ای که همه افراد بتوانند بدون تبعیض به حقوق خود دسترسی داشته باشند و در توسعه و پیشرفت جامعه مشارکت کنند. این مفهوم بر اصول برابری، انصاف و احترام به حقوق بشر استوار است. به عنوان مثال، طبق تعریف عدالت اجتماعی در کتاب عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نوشته محمدرضا شریفی، آمده است: «عدالت اجتماعی مفهومی است که بر اساس آن تمامی افراد جامعه باید از فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع ضروری برای زندگی شایسته بهره‌مند شوند» (شریفی، ۱۳۹۸، ۴۵).

در تفسیر طبری، پیرامون آیه «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد: ۲۵). ترجمه: برای اینکه با هم‌دیگر به عدالت رفتار کنند. آمده‌است که منظور از قسط، عدالت است که بین خود آن را رعایت کنند. این همه موارد برای انجام عدالت بین انسان‌ها فرستاده شده‌است (طبری، ۱۴۲۰، ۲۳ / ۲۰۱). قرطبی منظور از فرمایش خداوند را عدالت معاملات میان انسان‌ها دانسته (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۷، ۲۶۰) و ابن کثیر با توجه همین آیه بیان می‌دارد که خداوند هستی را براساس عدالت آفریده‌است و همه اشیاء بر اساس عدالت استوار است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷، ۴۵۳). به صورت مشخص تعریف عدالت اجتماعی در کتب مذهبی اسلامی، خصوصاً حنفی نیامده‌است، چون بحث عدالت اجتماعی مرتبط به علوم اجتماعی است، با آن هم تعاریف که در تفاسیر یاد شده از عدالت ارائه شد، همگی ناظر بر بخش‌های از عدالت اجتماعی است. در تفسیر نسفی پیرامون آیه یاد شده در فوق آمده‌است که «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ لِيَتَعَامَلُوا بَيْنَهُمْ إِيفَاءً وَاسْتِيفَاءً بِالْقِسْطِ بِالْعَدْلِ وَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَحَدًا» (النسفی، ۱۴۱۹، ۳، ۴۴۱). با توجه به تفسیر یاد شده، عدالت اجتماعی یعنی تنظیم روابط اجتماعی بر اساس قسط، ادای کامل حقوق متقابل و جلوگیری از هرگونه ظلم میان افراد جامعه‌است.

اصل بحث

۱- زمینه تاریخی و شخصیت امام ابوحنیفه رحمه‌الله

امام ابوحنیفه رحمه‌الله در اواخر دوره اموی و اوایل عصر عباسی می‌زیست؛ دوره‌ی پر تلاطم که شاهد تغییرات اجتماعی گسترده، گسترش قلمرو اسلامی و برخورد فرهنگ‌ها بود (الخطیب البغدادي، ۱۴۱۷، ۱ / ۱۲۳). کوفه، محل فعالیت علمی او، کانون فکری متنوع و پویایی بود که اندیشه‌های کلامی و فقهی گوناگونی در آن حضور داشتند (Melchert, 1997, 51). پیشینه شغلی ابوحنیفه رحمه‌الله در تجارت پارچه، او را به‌طور ملموس با مسائل اقتصادی، معاملات و نیازهای اجتماعی طبقات مختلف جامعه آشنا ساخته بود (الذهبي، ۱۴۲۴، ۶ / ۳۹۸). این تجربه عملی، نگاه او به فقه را به سمت حل مسائل واقعی مردم با در نظر گرفتن انصاف و عدالت سوق داد. شخصیت او که با استقلال رأی، آزاداندیشی و تقوا توصیف شده‌است، در رویارویی با حاکمان جور (مانند امتناع از قبول منصب قضاوت) تجلی یافت و الگویی از فقهی متعهد به عدالت، حتی در برابر قدرت سیاسی، ارائه کرد (الکردي، ۱۴۲۴، ۱ / ۷۶-۸۰). این بستر تاریخی و ویژگی‌های شخصیتی، تهداب اندیشه فقهی معطوف به عدالت اجتماعی را در او شکل داد.

۲- مبانی روش شناختی فقه حنفی، اصول معتدل و انعطاف‌پذیری

فقه حنفی بر ارکانی استوار است که همگی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، امکان استنتاج احکام عادلانه و متناسب با شرایط اجتماعی را فراهم می‌کند. نخست عقل‌گرایی معتدل است؛ درحالی‌که نص یعنی قرآن و سنت متواتر جایگاه نخست را دارد؛ عقل به‌ویژه در قالب قیاس به‌عنوان ابزاری اساسی برای استنباط احکام جدید در مسائل مستحدثت مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابو زهره، ۱۳۸۰، ۱۸۹). این رویکرد فقه را از انجماد خارج کرده و توانایی پاسخگویی به نیازهای متغیر جامعه در زمان‌های متفاوت را افزایش می‌دهد.

دوم، استحسان است، استحسان به معنای عدول از حکم قیاس به حکم دیگری به دلیل وجود دلیل قوی‌تر مانند ضرورت، استحسان، موارد دیگری همانند عرف، عدل و یا مصلحت (السرخسی، ۱۴۱۴، ۱۰ / ۱۴۵) برای ورد ملاحظات عدالت محور و انطباق آن با واقعیت‌های پیچیده اجتماعی است.

سوم؛ عرف یعنی عادات و رسوم رایج مردم است. در مذهب امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) به رسمیت شناختن عرف راستین و ریشه‌دار، مادامی‌که با نص صریح در تضاد نباشد به حیث منبعی برای استنباط احکام پذیرفته می‌شود (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ۵ / ۱۷۶). این اصل فقه را با هنجارهای اجتماعی عادلانه پیوند زنده و از تحمیل حکمی بیگانه با بافت جامعه جلوگیری می‌کند. چهارم، توجه به مصالح مرسله؛ یعنی منافع عمومی تأییدشده‌ای که نص خاصی بر آن‌ها دلالت ندارد، است. هرچند این مفهوم بعدها در فقه مالکی بسط بیشتری یافت، ریشه‌های آن در استدلال‌ات امام ابوحنیفه رحمه‌الله یافت می‌شود، این مبانی روش‌شناختی، درمجموع سیستمی انعطاف‌پذیر و پویا ایجاد کرده‌است (Kamali, 2003, 282) که هدف غایی آن تحقق عدالت و رفع حرج از مردم است.

۳- عدالت در معاملات اقتصادی و حقوق مالکیت

یکی از بارزترین جلوه‌های تأثیر اندیشه امام ابوحنیفه رحمه‌الله عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد و معاملات است. مخالفت شدید با ربا، در همه اشکال آن، پایه‌ای برای نظام اقتصادی عادلانه‌تر است. رویکردهای فقهی او برای جا‌گزینی معاملات ربوی با روش‌های مبتنی بر مشارکت در سود و زیان مانند مضاربه و مشارکت (الکاسانی، ۱۴۰۶، ۵ / ۲۱۹-۲۲۲) که خطر زیان را میان طرفین توزیع می‌کند، به کاهش استثمار و ایجاد توازن نسبی کمک کرده‌است.

تأکید بر شفافیت و نفی غرر؛ خطر عدم قطعیت نامعقول در معاملات از حقوق طرفین ضعیف‌تر که ممکن است فریب بخورد، حمایت می‌کند و به ثبات بازارها می‌انجامد. حمایت از حقوق مالکیت خصوصی به‌عنوان حقی فطری و شرعی در کنار تکالیف اجتماعی مرتبط با مالکیت مانند زکات و انفاق موازنه‌ای حیاتی میان حق فردی و مسئولیت اجتماعی ایجاد می‌نماید (المرغینانی، بلا تاریخ، ۱/ ۹۷-۱۱۴). نظرات مترقی او در مورد حقوق زراعت کاران و کارگران مانند لزوم پرداخت مزد عادلانه، بهره‌مندی از محصول زمینی که بر روی آن کار می‌نمایند، خصوصاً در مساقات (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ۶/ ۲۸۵-۲۹۰)؛ مستقیماً به‌بهبود وضعیت معیشتی طبقات محروم و توزیع ثروت پرداخته‌شده است. این اصول زیربنای یک نظام اقتصادی اسلامی را تشکیل می‌دهد که عدالت و انصاف در روابط اقتصادی را به‌عنوان یک اصل بنیادین ترویج می‌کند.

۱- عدالت قضایی

امام ابوحنیفه رحمه‌الله در ترویج عدالت در نظام قضایی نقش پیشرو داشت. در مذهب حنفی نظریه‌ای به نام الحیل الشرعیة وجود دارد که هدف آن استفاده از راه‌حل‌های مشروع فقهی برای تحقق عدالت، رفع ظلم و جلوگیری از ضرر است، بدون اینکه نصوص شرعی یا قواعد فقهی نقض شوند (السرخسی، ۱۴۱۴، ۳۰/ ۲۰۹). این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت عدالت در اجتهاد فقهی حنفی است.

تأکید بر سوگند مدعی علیه در مورد فقدان ادله کافی، به‌جای سوگند مدعی که در بسیاری از موارد قدرت بیشتری دارد، نشانگر تلاش برای محافظت از طرف ضعیف دعوی است (المرغینانی، بلا تاریخ، ۳/ ۱۵۶-۱۵۸). توسعه مفهوم استصحاب، یعنی بقا بر حالت سابق به نفع متهم در موارد شک و عدم اثبات جرم، اصل برائت را تقویت کرده و از اتهامات بی‌اساس جلوگیری می‌کند (الزحیلی، ۱۹۸۵، ۷/ ۵۲۸).

نظریات نوآورانه در باب شهادت، مانند قبول شهادت زنان به‌تنهایی در اموری که مردان معمولاً به آن‌ها دسترسی ندارند، یعنی مسائل مرتبط به زنان؛ پذیرش شهادت افراد غیرمسلمان بر یکدیگر در جوامع کثیر المله، گامی به‌سوی عدالت قضایی فراگیر است (الکاسانی، ۱۴۰۶، ۶/ ۲۶۶-۲۸۳). این دیدگاه‌ها عدالت قضایی را از انحصار بیرون آورده و دسترسی را به آن تسهیل می‌نماید.

۲- عدالت اجتماعی و حمایت از گروه‌های محروم

اندیشه‌های امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) حاوی مفاهیم مترقی برای حمایت از حقوق گروه‌ها و افراد به حاشیه رانده شده‌است. توسعه مفهوم الکفایه، یعنی تکلیف جامعه برای تأمین حداقل معیشت نیازمندان؛ فراتر از زکات واجب، مبانی نظری قوی‌تری برای مسئولیت اجتماعی جامعه در قبال فقرا ایجاد کرد (الکاسانی، ۱۴۱۴، ۳/ ۲۰-۲۲). نظریات انسانی در مورد بردگان، مانند تشویق به عقد مکاتبه، یعنی قرارداد خرید آزادی توسط خود برده و تأکید بر رفتار نیکو با آنان، گام‌های در جهت بهبود وضعیت آنان و حرکت تدریجی به سوی لغو این رسم بود (ابو زهره، ۱۴۳۱، ۲۳۲). حمایت از حقوق زنان در ابعاد خاصی مانند حق زن در طلاق در صورت نقض شروط ضمن عقد توسط شوهر (خلع) و حق او در اداره اموال خود، (المرغینانی، بلاتاریخ، ۲/ ۲۵۱-۲۹۴) در چارچوب کلی جامعه آن زمان نشان‌دهنده نگاهی مترقی‌تر نسبت به برخی دیدگاه‌های رایج بود.

توجه به حقوق اهل ذمه، تأکید بر لزوم رعایت عدالت و پیمان‌های منعقد شده با آنان (الکاسانی، ۱۴۰۶، ۲/ ۳۱۰) به ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و عادلانه کمک می‌کند. این دیدگاه‌ها حساسیت فقه حنفی را نسبت به آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و ضرورت جبران آن‌ها نشان می‌دهد.

۳- عدالت سیاسی و مسئولیت حکومت

امام ابوحنیفه رحمه‌الله با وجود پرهیز از پذیرش مناصب حکومتی، نظراتی اساسی درباره عدالت سیاسی و مسئولیت حکومت ارائه داده‌است. وی مشروعیت حکومت را مربوط به عدالت می‌دانست، تأکید بر مشورت و اجماع اهل حل و عقد در امور مهم حکومتی؛ نشانگر باور وی بر جلوگیری از استبداد است (الذهبی، ۱۴۰۵، ۶/ ۳۹۰-۴۰۳).

امام ابوحنیفه رحمه‌الله مسئولیت اصلی حکومت را تأمین عدالت و امنیت برای رعیت می‌دانست. این کار شامل اجرای حدود شرعی به صورت عادلانه، دفاع از مرزها، تأمین رفاه عمومی از طریق نظام مالیاتی عادلانه اعم از خراج، جزیه و زکات است (السرخسی، ۱۴۱۴، ۱۰/ ۳۰-۹۰). نظرات او در باب خراج، انفال که به توزیع عادلانه منابع عمومی و حفظ حقوق دهقانان کمک می‌کند، نمونه‌ی از نگاه عدالت محور به اقتصاد حکومتی است (ابو یوسف، ۱۳۹۹، ۳۵-۴۵). این اصول چارچوب شرعی برای حکمرانی عادلانه و پاسخگو فراهم می‌آورد.

۴- انعطاف‌پذیری و پویایی فقه حنفی در خدمت عدالت

به نظر نگارنده، یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری و گسترده‌ی مذهب حنفی؛ نقش آن در تحقق عدالت در سراسر تاریخ اسلام، انعطاف‌پذیری و پویایی ذاتی در اصول استنباطی آن است.

مکانیسم‌های همانند قیاس، استحسان و توجه به عرف در فقه حنفی، به فقها این امکان را می‌دهد که با در نظر گرفتن تغییرات زمانی و مکانی؛ مصالح واقعی مردم و ضرورت‌های جدید، احکامی را استنباط کنند که به عدالت نزدیک‌تر باشد (ابن عابدین، ۴۱، ۱۴۱۲-۴۲).

این رویکرد، فقه حنفی را از یک سیستم خشک و غیرقابل انعطاف خارج کرده و آن را به ابزاری زنده و پاسخگو برای حل مسائل نوپدید اجتماعی-اقتصادی بدل کرده‌است. فقه النوازل (فقه وقایع نوظهور) در میان حنفی‌ها به‌ویژه در سرزمین‌های غیرعربی مانند هند، آسیای مرکزی و ترکیه گواهی بر این توانایی تطبیق و تحقق عدالت در بافت‌های فرهنگی گوناگون است (Masud, 2001, 89). این پویایی، باعث شد فقه حنفی بتواند در طول قرون متمادی، پاسخگوی نیازهای عدالت‌خواهانه جوامع پیچیده و در حال تغییر باشد و نقش فعالی در تنظیم روابط اجتماعی بر مبنای انصاف ایفا کند.

۵- تأثیر تاریخی و معاصر اندیشه‌های امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) بر عدالت اجتماعی

تأثیر مذهب حنفی در گسترش عدالت اجتماعی در تاریخ اسلام انکارناپذیر است. قوانین مدنی کشورهای اسلامی به‌ویژه در دوران عثمانی و پس از آن تا حد زیادی متأثر از فقه حنفی بوده‌اند. این قوانین مفاهیمی همچون عرف، مصلحت و استحسان را برای انطباق با نیازهای جامعه در خود جای داده بود (Gerber, 1994, 67).

نظام قضایی عادلانه، مبتنی بر اصول حنفی همانند توسعه شهادت در سرزمین‌های گسترده‌ی از بالکان تا هند، دسترسی به عدالت را تسهیل کرده‌است. نظام‌های اقتصادی غیر ربوی مبتنی بر معاملات مشارکتی فقه حنفی، الگوی عملی برای فعالیت اقتصادی عادلانه ارائه داده است. در دوران معاصر بازخوانی اصول فقه حنفی به‌ویژه اصول معتدل، توجه به مقاصد شریعت، عرف و مصلحت توسط دانشمندانی مانند محمد عبده، عبدالرزاق السنهوری و برخی نهادهای فقهی معاصر مانند مجمع فقه اسلامی جده؛ ابزارهای قدرتمندی را برای مواجهه با چالش‌های جدید عدالت اجتماعی همانند فقر، نابرابری، حقوق انسان، حقوق زنان، محیط‌زیست؛ در چارچوب شریعت اسلام مهیا کرده‌است (Amanullah, 2016, 112). این اصول، پتانسیل بالایی برای استخراج راهکارهای عادلانه متناسب با زمان و مکان دارند.

مناقشه

مباحثی که در پیشینه مطرح شده‌اند، هرکدام به نحوی مرتبط به این نگارش است، شباهت زیادی ندارد. به این جهت نمی‌تواند از نظر علمی مورد مناقشه قرار گیرد. مفتی عاشق الهی مجموعه وصایایی امام اعظم را نگاشته است، فضل احمد احمدی به مبارزات سیاسی و علیه استبداد امام اعظم پرداخته و در نهایت عنایت‌الله ابلاغ کتابی تحت عنوان ابوحنیفه (رحمه‌الله) و افکار او نگاشته است. موارد فوق هرکدام می‌توانند به عنوان منابع این نگارش مطرح شوند؛ ولی هیچ‌کدام موارد مناقشه با این نگارش نیستند، چون به آن اندازه شباهت ندارند که مناقشه شوند.

نتیجه‌گیری

امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) به عنوان بنیان‌گذار مذهب فقهی حنفی، میراث غنی و پویا برای گسترش عدالت اجتماعی در جوامع اسلامی به‌جای گذاشته‌است. مبانی روش‌شناختی او، شامل عقل‌گرایی معتدل (قیاس) استحسان، توجه به عرف، مصالح مرسله، سیستم انعطاف‌پذیر و واقع‌نگر ایجاد کرده است که هدف نهایی آن تحقق عدالت و رفع عسر و حرج از مردم است.

این اصول در حوزه‌های مختلفی چون معاملات اقتصادی اعم از نفی ربا، حمایت از حقوق کارگران، شفافیت، عدالت قضایی اعم از توسعه شهادت، استصحاب و حیل مجاز، حمایت از گروه‌های محروم، توسعه مفهوم کفایه، حقوق بردگان و اهل ذمه، عدالت سیاسی، مسئولیت حکومت در تأمین رفاه، به‌طور ملموس تجلی یافته‌است.

پویایی ذاتی فقه حنفی، ناشی از همین اصول باعث شده‌است که این مذهب بتواند در دل قرن‌ها در جغرافیایی مختلف فرهنگی، جواب‌گوی نیازهای عدالت‌خواهانه باشد و نقش تاریخی بی‌بدیلی در شکل‌دهی به قوانین عادلانه‌تر و نهادهای اجتماعی ایفا کند.

در عصر حاضر، بازخوانی و احیایی اصول به‌ویژه توجه به مقاصد شریعت، مصلحت و عرف عادلانه هم‌چنان می‌تواند چراغ راهی برای استنباط راهکارهای نوین جهت تحقق عدالت اجتماعی در جهان پیچیده کنونی باشد. اندیشه امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) فراتر از یک مکتب فقهی، چارچوب اخلاقی - حقوقی ارائه می‌دهد که عدالت را در حیات اجتماعی مسلمانان نهادینه سازد.

محدودیت‌های تحقیق: تحقیق یادشده با استفاده از آراء فقهی و اندیشه‌های کلامی امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله و علمای این مذهب صورت گرفته‌است؛ بنابراین شامل آراء فقهی و اندیشه‌های کلامی سایر مذاهب اسلامی اعم از اهل سنت و شیعه نیست.

پیشنهادها

با توجه به مباحث مطرح‌شده پیشنهاد ذیل مطرح می‌شود:

- بررسی جامع آراء فقهی و کلامی امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) با توجه به نیازهای اجتماعی و بهره‌برداری از آن‌ها در حل بحران‌های اجتماعی معاصر.
- استفاده از اندیشه‌های آن امام در گسترش عدالت اجتماعی توسط دولت‌مردان و حاکمان.

منابع

قرآن کریم

ابن عابدین، محمد امین بن عمر. (۱۴۱۲ ق). رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دار الفکر، ط ۳.
ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر. (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابو زهره، محمد. (۱۳۸۰ ش). امام ابوحنیفه (رحمه‌الله): زندگی، شخصیت و اندیشه‌های فقهی. ترجمه محمد باقر حجتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

أبو زهرة، محمد. (۱۴۳۱ ق). أبو حنيفة: حياته وعصره، آراؤه وفقهه. بیروت: دار الفکر العربی

أبو يوسف، يعقوب بن إبراهيم الأنصاري. (۱۹۷۹). كتاب الخراج. بیروت: دار المعرفة.

ابلاغ، عنایت‌الله. (۱۳۹۸ ش). امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) و افکار او، کابل، وزارت ارشاد، حج و اوقاف.

احمدی، فضل احمد. (۱۴۰۱ ش). امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و مبارزه با استبداد سیاسی، فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی پوهنتون غالب، سال یازدهم، شماره چهارم.

برنج‌کار، رضا. (۱۳۷۸ ش) آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی. قم: نشر طه.

بلند شهری، مفتی عاشق الهی (۱۳۹۴ ش) مجموعه وصایای امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) ترجمه عبدالله حیدری، نشر دیجیتال کتابخانه عقیده.

الذهبی، شمس‌الدین ابو عبدالله. (۱۴۰۵ ق). سیر أعلام النبلاء، تحقیق، مجموعه من المحققین یاشراف الشیخ شعیب الأرناؤوط، بیروت: موسسه الرساله.

- الزحيلي، وهبة. (١٩٨٥). نظرية الضمان في الفقه الإسلامي. بيروت: دار الفكر.
- الخطيب البغدادي، أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت. (١٤١٧ق). تاريخ بغداد. بلامكان: دار الغرب الإسلامي.
- الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان. (١٤٢٤ق). سير أعلام النبلاء. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- السرخسي، محمد بن احمد. (١٤١٤ ق) المبسوط، بيروت: دار المعرفة.
- شريفى، محمدرضا. (١٣٩٨). عدالت اجتماعي و توسعه پايدار. تهران: انتشارات دانشگاہي.
- الطبري، محمد بن جرير (١٤٠٢) جامع البيان في تأويل القرآن، محقق: احمد محمد شاکر، بيروت: موسسه الرساله.
- قرطبي، محمد بن احمد (١٣٨٤) الجامع لأحكام القرآن، محقق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش. القاهرة: دار الكتب المصريه.
- الكاساني، ابوبكر بن مسعود. (١٤٠٦ ق) بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتب العلميه، ط ٢.
- المرغيناني، علي بن ابي بكر. (بالتاريخ) الهدايه في شرح بدايه المتدى، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- Amanullah, M. (2016). Islamic Law, Adaptability and Financial Justice: A Maqasid al-Shari'ah Perspective. *Islamic Economic Studies*, 24(1), 105-128. <https://doi.org/10.12816/0031511>.
- Gerber, H. (1994). *State, Society, and Law in Islam: Ottoman Law in Comparative Perspective*. State University of New York Press.
- Hallaq, W. B. (2009). *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511801077>.
- Kamali, M. H. (2003). *Principles of Islamic Jurisprudence (3rd Ed)*. Islamic Texts Society.
- Masud, M. K. (2001). Muslim Jurists' Quest for the Normative Basis of Shari'a. In M. K. Masud, B. Messick, & D. S. Powers (Eds.), *Islamic Legal Interpretation: Muftis and Their Fatwas* (pp. 85-98). Harvard University Press.
- Melchert, C. (1997). *The Formation of the Sunni Schools of Law, 9th-10th Centuries C.E.* Brill. <https://doi.org/10.1163/9789004498935>.
- Schacht, J. (1964). *An Introduction to Islamic Law*. Clarendon Press.
- Wani, M. A. (2017). Justice in the Islamic Legal System: A Comparative Study. *Journal of Law, Policy and Globalization*, 66, 43-51. <https://www.iiste.org/Journals/index.php/JLPG/article/view/38825>



Two Quarterly

Ainak Academic – Research Journal

Logar University

Journal License Date: June/ 2023



دور أفكار الإمام أبي حنيفة رحمه الله في تعزيز العدالة الاجتماعية

الأستاذ سيد خليل كوهي

قسم التعليمات الاسلامية، كلية الشريعة، جامعة باميان.

البريد الالكتروني: kohi_khalil23@bu.edu.af

المستخلص

مشكلة البحث: تُعدُّ العدالة الاجتماعية من المبادئ المحورية في المجتمعات الإنسانية، وقد حظيت بمكانة متميزة في فكر الإمام أبي حنيفة رحمه الله.

هدف البحث: يهدف هذا البحث إلى دراسة دور أفكار الإمام أبي حنيفة رحمه الله في تعزيز وترسيخ العدالة الاجتماعية.

منهج البحث: تم اجراء هذا البحث بالمنهج الكيفي الوصفي التحليلي، اعتماداً على المصادر المكتبية الأصلية. نتائج البحث: قدّم المذهب الحنفي، بالاعتماد على مبادئ مثل العقلانية المعتدلة، الاستحسان، العرف والمصالح المرسله، نظاماً مرناً لتحقيق العدالة الاجتماعية. في المعاملات الاقتصادية، تمثّلت جهوده في محاربة الربا، والتأكيد على الشفافية، وصورن حقوق العمال. أما في النظام القضائي، فقد أسهم في تطوير نظريات فقهية كالأصل في الاستصحاب، وتوسيع دائرة الشهادة، بما في ذلك شهادة النساء، الأمر الذي جعل العدالة أكثر شمولاً. كما أن دعمه للفئات المحرومة مثل الفقراء، العبيد وأهل الذمة يُظهر حساسيته تجاه المشكلات الاجتماعية. وكان يؤكد على الشورى والمسؤولية الحكومية. جعلت ديناميكية الفقه الحنفي منه أداة حيّة للاستجابة لاحتياجات المجتمعات المتغيرة. في العصر الحالي، يمكن لمبادئ هذا المذهب أن تكون حلاً للتحديات المتعلقة بالعدالة الاجتماعية وأن توفر إطاراً أخلاقياً - قانونياً لتحقيق العدالة في المجتمعات الإسلامية.

الاستنتاج: يمكن أن تكون مبادئ وأفكار الإمام أبو حنيفة رحمه الله دليلاً لمواجهة تحديات العدالة الاجتماعية في العصر الحالي وتوفير إطار أخلاقي-قانوني لتحقيق العدالة في المجتمعات الإسلامية.

الخاتمة: تؤكد نتائج البحث أن مبادئ وأفكار الإمام أبي حنيفة رحمه الله تمثل منطلقاً مهماً لمعالجة تحديات العدالة الاجتماعية في العصر الحديث، وتوفّر إطاراً أخلاقياً وقانونياً راسخاً لإرساء العدل في المجتمعات الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: الإمام أبو حنيفة، الفكر، العدالة الاجتماعية، التوسّع والانتشار.

الاقْتِباس: كوهي، سيد خليل. (١٤٠٤) دور أفكار الإمام أبي حنيفة رحمه الله في تعزيز العدالة الاجتماعية

المجلة العلمية-البحثية نصف السنوية «عينك» العدد ٥، الصفحات ٨١-٩٤

جامعة لوجر.

© حقوق المؤلف.